

نگاهی به زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

محمد باقر پورابینی

مقدمه

کرد. پدر همسر او، قاسم بن حسن، از جمله شخصیت‌های علوی است که در پارسایی شهره بود.^۷ محمد یگانه پسر عبدالعظیم می‌باشد.^۸ گویند او به سوزمین ساسرا منتقل شد و در اراضی «بلد» و «دجیل» به رحمت ایزدی پیوست.^۹

از بانویی به نام ام سلمه همسر محمد بن ابراهیم بن ابراهیم بن حسن به عنوان دختر عبدالعظیم یاد می‌کنند، که از ایشان ۳ پسر به نام حسن، عبدالله واحد به جای مانده است.^{۱۰}

حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) دانشمندی فرهیخته، مدجسایمی راستین و نسرزانه‌ای نام آشنا برای همگان است. انشخارش آن بود که در برابر بزرگی و عظمت اولی الامر «گرنش کرد، بر ساحل ولایشان بنشست، و گنجینه دل را با تعالیم پیشوایان مسموم عطرآگین ساخت.

آن هنگام که لطف حق یار شد. وی پذیرای قدومش گردید، دیگر ورقی زمین برای دفتر شیعیان این خطه افزون شد.

در این مقاله، به اختصار ابعاد و زوایای مختلف زندگی گهریار فروع رخشنده وی، حضرت عبدالعظیم (ع) را بررسی می‌کنیم، بدان امید که مورد نظر آن سید باکرامت و عبید صالح خدا قرار گیرد.

از گلستان حسن

در دهه هشتم یا نهم قرن ۲ هـ. ق^۱، ستاره‌ای در خانه عبدالله بن علی دوخند، و کودکی بر سلاله نبوی افزوده گشت که نام عبدالعظیم را بر تارک دختر زندگی او گذاردند.^۲ کتبه‌اش ابرالقاسم بود، و از آن سبب که شبی با ۲ واسطه به امام حسن مجتبی (ع) متهمی می‌گردید، به «حسن» معروف شد.^۳ وی فرزند عبدالله، فرزند علی حدید (شید)، فرزند حسن، فرزند زید، فرزند امام حسن (ع) است.^۴

عبدالله بن علی پدر حضرت عبدالعظیم است که بجز او، ۸ فرزند دیگر به نامهای احمد، قاسم، حسن، محمد، ابراهیم، علی اکبر، علی اسمر و زید از وی به جای ماندند.^۵ از بانوی بزرگوار فاطمه دختر عقیبه بن قیس حمیری، به عنوان مادر عبدالعظیم یاد می‌کنند.^۶

حضرت عبدالعظیم با دختر عموش، خدیجه، ازدواج

امام حسن حسنی (ع)

زید

حسن

علی شهبه

عبدالله

عبدالعظیم

محمد

قاسم

عبدالله

عبدجهم

احمد

قاسم

حسن

محمد

ابراهیم

علی اکبر

علی اسمر

زید

بر آستان امام رضا(ع)

حضرت عبدالعظیم هشتمین امام بود، و افتخار زانو زدن در مکتب امام رضا(ع)، امام جواد(ع) و امام هادی(ع) را داشت. وی از او ان جوانی تا پایان عمر، در راه نشر و اخلاق سخن آنان گوشید، و از هیچ نهلمد و فشاری و اذیت نداشت. او مشفقتر است که در دوران حضور و اقامت حضرت رضا(ع) در شهر مدینه و پیش از سفر اجباری به مرو، از محضرش نور برگرفت و از گفتار حیاتبخش بهره برد. روزی آن هشتمین امام(ع) رو به عبدالعظیم کرد، و چند نوحه راهگشا و سفارش اخلاقی را به او آموخت تا به شیعیان



و یاران ابلاغ کند. امام(ع) چنین فرمودند: عبدالعظیم اسلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو:

- شیطان را به دلهای خویش راه ندهند.
- در گفتار خویش راستگو باشند و امانت را ادا کنند
- خاموشی را پیشه خود سازند، و از جدال و نزاع بپورده ای که سودی برایشان ندارد دوری کنند.
- به همسنگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند، همان ذلک قره العالی.

- آنان خود را به دشمنی و بدگویی یا یکدیگر مشغول نسازند، زیرا با خود عهد کرده ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد - دوستی از دوستانم و ناراحت کند و به خشم آورد - خداوند را بخوانم تا او را در دنیا با شدیدترین عذابها

مجازات کند، و در آن سرا نیز از زبانکاران خواهد بود.

به ایشان بگو: همانا، پروردگار نیکوکاران را آمرزیده و از خطای گنهکاران در گذشته است، مگر کسی که به خدا شکر بورزد یا دوستی از دوستانم را بیازارد یا کینه آنان را به دل بگیرد. بدترستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد. هر گاه از این اعمال نادرست دوری گزیند، آمرزش خدا را شامل خود گردانده است و گرنه، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از اولاد ما خارج گشته است و بهره ای از ولایت ما نخواهد برد. و اعوذ بالله من ذلک. ۱۲

از جلوه امام جواد(ع)

امام جواد(ع) در سال ۲۰۳ هـ. ق. به مقام ولایت رسید، و پیشتر دوران ۱۷ ساله اسامت خود را در مدینه گذرانده. حضرت عبدالعظیم حسنی از حضور آن حضرت(ع) در مدینه بسیار خرسند بود، و از این نعمت خداوندی بهره فراوان برد. تا آن هنگام که امام(ع) در مدینه بود، وی این افتخار را داشت که بیشترین استفاده را از محفل معنوی ایشان ببرد.

گنجینه دانشی که او از امام به یادگار گرفت، بسیار است. تنها بخش اندکی از ماجرای درس آموزی او در ذخایر موجود ما به چشم می خورد، ولیکن این مجموعه اندک نیز دلیلی بر مدعاست.

حضرت عبدالعظیم روزی از امام جواد(ع) شنید که فرمودند: «ملاقات الاخوان نشره و تلقیح للعقل وان كان نظر قلباً» ۱۳ «دیدار دوستان آراش و سلامت عقل را در پی دارد، اگر چه دیداری اندک باشد».

در روز دیگر شیفته بیقرار پیشوای نهم(ع)، حضرت عبدالعظیم حسنی، به خلعت آن امام رسید. امام(ع) این گفتار دلنشین را به نقل از پدرانش و ایشان از امیرالمؤمنین(ع) چنین فرمودند: زمانی من و فاطمه به حضور رسول خدا(ص) رسیدیم. آن حضرت را در حال گریه مشاهده کردیم، سبب را جویا شدیم. پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: علی ائسی که مرابه آسمان بردند، زنانی از امت خود را در عذاب سخن دیدم من برای آنان بسیار اندوهناک شدم، و به گریه افتادم. آن حضرت سپس به ذکر مشاهدات خویش پرداخت و از عذاب ۱۱ گروه از زنان یاد کردند.

در آن حال، حضرت زهرا(ع) فرمودند: بدو عزیز و نوجوشم اگر دار آنان در دنیا چه بوده که خداوند چنین عذابهایی را برای آنان در نظر گرفته است؟

پیامبر(ص) در پاسخ باز تن خویش، به کردار ناشایست این زنان اشاره کردند، و در بین گفتار خود چنین فرمودند: آن زنی که از موهای سرش آویزان بوده (و مغز سرش می جوشید)، برای آن بود که وی موی سر خود را از نامحرمان نمی پوشانید. زنی که گوشت بدن خود را می خورد (در حالی که آنش در زیر او شعله

چیست؟

- ... درخواستهایش را برآورده و بهشت خود را بر او ارزانی کتم.
- خداوند! پاداش کسی که از ترس تو ضویش را کامل به جای آورد، چیست؟
- ... روز رستاخیز او را درحالی که نور درخشانی از میان دو پیشتمش تجلی کند، برمی انگیزم.
- پروردگارا! جزای آن کس که به خاطر تو روزه ماه رمضان را انجام دهد، چیست؟
- در قیامت او را در جایی قرار خواهیم داد تا از وحشت آن روز نهراسد.
- خدا یا! کبیر کسی که برای جلب نظر مردم روزه بگیرد، چیست؟



- موسی اجزای او مانند کسی است که روزه نگرفته باشد. ۱۶
- عبدالمعظم حسنی می گوید: روزی بر آقایم حضرت امام هادی(ع) وارد شدم. هنگامی که نگاه آن حضرت(ع) بر من افتاد، فرمودند: سلام بر تو ای ابوالقاسم! خوش آمدی بییقین تو از دوستان ما می.
- پس به آن حضرت عرض کردم: ای فرزندی پیامبر خدا! من بر آنم که ایمان خود را در خدمت شما عرضه دارم، و آن را بازگو کنم. اگر مورد پسند و رضایت شما باشد، بر آن استوار باشم تا آن هنگام که به دینار پروردگار برسم.
- عقاید خود را بازگو، ابوالقاسم!
- اعتقاد دارم که خدا یکی است، هیچ چیز مانند او نیست، محدود به چیزی نمی باشد، نه ابطال پذیر است و نه

می کشید)، از آن سبب در عذاب بود که خود را برای مردم آرایش می کرد. آن زنی که از پا آویزان بود، بدان سبب بود که بدون اجازه شوهر خویش خانه را ترک می کرد.

آن زنی که سرش مانند حوکه و بدنش مانند بدن الاغ بود، به دلیل سخن چینی و دروغگویی گرفتار این عذاب شده بود.

پیامبر اکرم(ص) سبب عذاب یکبارگی آن زنان را بر شمرده، و در پایان فرمودند: بنا به حال زنی که شویش را به خشم آورد، و خوشا به حال زنی که همسرش از او خشنود و راضی باشد. ۱۲

یا هادی است(ع)

عبدالمعظم حسنی تا آن زمان ۲۲۳ هـ. ق که امام هادی(ع) در مدینه حضور داشتند، یگانه پایگاه منزل امام(ع) بود. او مو به مو سخنان رهبر و مرشدش را بر صفحه دل بسود، و به مقام ولای علمی رسیده ۱۵ تا شاید سیراب کننده تشنگان حقیقت و شیفنگان گرفتار امانت باشد.

روزی حضرت عبدالمعظم(ع) از امام هادی(ع) شنید که فرمودند: هنگامی که پروردگار باموسی بن عمران(ع) سخن می گفت، موسی(ع) عرض کرد: خدا یا! پاداش آن کس که گواهی دهد من فرستاده و پیامبر تو هستم و تو یا من سخن گفته ای، چیست؟

خداوند فرمود: موسی! فرشتگانم نزد او روند، و وی را به بهشت من مژده دهند.

- پروردگارا! پاداش کسی که در مقابل تو بایستد و نماز گزارد، چیست؟

- موسی! به رکوع، سجود، نشست و برخاست او نزد فرشتگان مباحثات می کتم. و هر کس را که من به او مباحثات و افتخار کتم، او را عذاب نخواهم کرد.

- پروردگارا! پاداش آن کس که نیلزمندی را برای خشنودی تو سیر کند، چیست؟

- موسی! در قیامت دستور می دهم منادی فریاد بزند که این شخص از آزادشدگان از دوزخ است. ...

- خداوند! پاداش کسی که تو را باقلب و زبان می خواند، چیست؟

- موسی! در قیامت او را در سایه عرش خویش جای می دهم، و با حمایت خویش حفظ می کتم.

- معبود! پاداش آن کسی که حکمت(کتاب آسمانی) تو را در نهان و آشکار بخواند، چیست؟

- ... او از پل صراط چون برق می گذرد. ...

پروردگارا! اجر کسی که کافری را به سوی دین اسلام دعوت کند، چیست؟

- ... در روز جزا به او اجازه می دهم هر کس را که بخواهد شفاعت کند.

- معبود! پاداش آن کس که نمازها را در وقتش بخواند

حسن (ع) است، لیکن مردم درباره امامت پس از او چه خواهند کرد.

- آقا امگر ماجرای زندگانی امام بعد از او چگونه خواهد بود؟

- همانا او را کسی نمی بیند، و اسمش را کسی بر زبان جاری نمی کند تا آن هنگام که پس از غیبت زمین را از عدل و داد پر سازد، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.

- به این امام هم معتقد شدم، همانا دوست آنان دوست خدا، و دشمن ایشان دشمن پروردگار، اطاعت از آن اطاعت از پروردگار، و سرپیچی از ایشان سرپیچی از خداست. اعتقاد دارم که معراج حق است. پرسش دو قبر حق است، بهشت و دوزخ حق است، صراط و میزان حق است، و روز رستاخیز برپا خواهد شد و در آن شکن نیست و خداوند همه مردگان را دوباره زنده می کند. معتقدم که واجبات دین پس از ولایات عبارتند از: نماز، زکات، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر.

- ابرالقاسم! به خدا سوگند معتقدات تو، همان دینی است که پروردگار برای بندگانش در نظر گرفته است. پس، بر این اعتقاد استوار باش. خداوند تو را به این عقیده در دنیا و آخرت پایدار دارد.^{۱۷}

باصریعت اجباری امام هادی (ع) به ساسرا در سال ۲۴۳ هـ. ق، جلسات انس با حضرت (ع) نیز پایان یافت. عبدالعظیم و سایر یاران امام (ع) با افسوس بسیار از این حادثه، در حبرت آن وجود قدسی خون دل غوردهند.

حلقه وصل

حضرت عبدالعظیم افزون بر هشتاد و پنج با آفتاب امامت، در محضر ۳۳ استاد فرهیخته و بنام دین نیز زانوی ارادت زده، و از گنجینه سرشار و دانش و معرفتشان - که از دریای پرفیض اللمه اطهار (ع) سرچشمه گرفته بود - بهره برد. او گفتار و کردار امامان معصوم پیشین و بلکه معصومان عصر خویش را از زبان این گرومان صادق شنید؛ بزرگانی که در علم حلیت به عنوان «مشایخ» از ایشان یاد می شود، و به قرار ذیل عبارتند از:

ابراهم بن ابی سعید، ابن ابی بصیر، احمد بن عیسی، اسحاق الناصح، یگار بن کردم، حرب بن حسن، حسن بن حسین، حسن بن عبدالله، حسن بن علی، حسن بن حکم، حسن بن محبوب، حسین بن میاح، سلیمان بن جعفر جعفری، سلیمان بن حفص مروزی، سلیمان بن سفیانی، سهل بن سعد، صفوان بن یحیی، عبدالسلام بن صالح (ابوصلت هروی)، عبدالله بن حسن حسینی، علی بن اسباط، علی بن جعفر، عمر بن رشید، عمر بن محمد (ابن اذینه)، مالک بن عامر، محمد بن ابی عمیر، محمد بن فضیل (صیرفی)، محمد بن علی، محمد بن عمر، محمود بن ابی بلاد، ممر بن خلاد، موسی بن محمد، عیاش بن حکم و یحیی بن سلام فراه.^{۱۸}

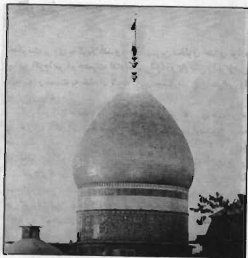
تشبیه پذیر، او نه جسم است و نه صورت، نه عرض است و نه جوهر بلکه او اجسام را مجسم ساخته، صورتها را تصویر کرده و عرضها و جوهرها را آفریده است. او پروردگار هر چیز و مالک و به وجود آورنده همه آنهاست.

معتقدم که محمد (ص) بنده و فرستاده او و خاتم پیامبران است، و بعد از او تا روز رستاخیز پیامبری نخواهد آمد، و همانا شریعت او آخرین دینهاست، و بعد از آن آیین و دینی تا قیامت نخواهد آمد.

عقیده دارم که امام و جانشین و ولی امر بعد از او، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است. بعد از او حسن (ع)، سپس حسین (ع)، آنگاه علی بن حسین (ع)، بعد محمد بن علی (ع)، بعد جعفر بن محمد (ع)، آنگاه موسی بن جعفر (ع)، سپس علی بن موسی (ع)، بعد محمد بن علی (ع) و پس از آن شما ای آقا و پیشوای من.

در این هنگام امام هادی (ع) کلب به سخن گشودند، و تا پیشوای دوازدهم را چنین نام بردند: بعد از من فرزندانم





او در کنار استفاده از محفل مشایخ، خود نیز بر کرسی تعلیم و ترویج روایات و اخبار پیامبر(ص) و اهل بیت بزرگوارش (ع) نشست، و باران را با معارف گهربار اسلام و گفتار آن سرچشمه‌های نور آشنا ساخت، و شیخ و استاد آنان در نقل روایت شد. از این رو، شاکردن و اوارتمنائش راوی حدیث پیشوایان مذهب شدند، و از گروه اروایان عبدالعظیم به شمار آمدند. ۱۵. راوی عزیز حضرت عبدالعظیم بدین قرارند:

ابراهیم بن علی، ابراهیم بن هشام قمی، احمد بن حسن، احمد بن محمد بن خالد برفی، احمد بن مهران، حسن بن ابی زیاد، حسین بن ابراهیم، حسین بن یزید نوفلی، حمزه بن قاسم، سهل بن زیاد، سهل بن جهمور، صالح بن فیض عجلی، عبدالله بن محمد عجلی، عبدالله بن موسی روایتی و محمد بن خالد برفی.^{۱۹}

تألیفات

در میان آثار تألیفی حضرت عبدالعظیم، از ۲ اثر ذیل یاد شده است: کتابی در خطبه‌های امیرالمؤمنین(ع)^{۲۰} و کتاب بوم و لیلۃ.^{۲۱} این دو کتاب، غیر از احادیث بسیاری است که از وی روایت شده است.

خوش وادار شد.

ظاهراً، وی در ابتدا برای ارتباط با امام هادی(ع) مدینه را به قصد سامرا ترک کرد^{۲۲}، و مدتی در آنجا اقامت کرد. هنگامی که حضور عبدالعظیم خطر ساز شد و دستگیری او نیز بسیار محتمل و جدی گردید، مخفیانه - و شاید به امر امام - آنجا را ترک گفت و شهرها و روستاهای بخش شرقی مناطق تحت نفوذ اسلام را در نورید تا شاید بتواند در کنار شیعیان و دوستداران اهل بیت در ری جای گیرد، و ایشان را از گنجینه سرشار و معلومات آموخته از پیشوایان معصوم(ع) سیراب کند. صاحبین عباد می‌نویسد: *دوخاف من السلطان فطاف البلدان علی اته فوج...*

(عبدالعظیم از حاکم زمان بیستگ شد، آنگاه شهرها را پشت سر گذاشت و خود را خادم(با بیک سلطان) معرفی می‌کرد).

سیماي ری

در میان شهرها و مناطق، ری^{۲۷} تاریخی پس طولانی و روشن دارد، و می‌توان این سامان را - که از آن به عروس دنیا یاد کرده‌اند^{۲۸} - از بزرگترین و ریشه‌دارترین نقاط جامعه اسلامی دانست.^{۲۹}

مسلمانان به سال ۲۳ هـ. ق. در زمان عمر و پس از فتح نهاوند، با گشودن دروازه‌های این شهر وارد آنجا شدند و مذهب اسلام را ترویج کردند.^{۳۰} از آن پس، ری در میان مسلمانان اعتباری عظیم یافت و به دلیل حاصلخیزی، آبادانی و گستره وسیع حکومت آن، بسیاری از زناندوزان آرزوی تکیه زدن بر کرسی حکومت آنجا را در سر پروا نداشتند. در این مورد، می‌توان از عمر سعد یاد کرده شخصیت منضوری که به طمع

در آستانه هجرت

موقعیت و ساختار ویژه جامعه نیمه اول قرن ۳ هـ. ق. در حاکمیت اشراو، انول ارزشهای اسلامی، فشار و ایجاد محدودیت بر خاندان امامت و شیبان خلاصه می‌شود. از این رو، حضرت عبدالعظیم را می‌توان از ستم‌دیدگان و قربانیان آن مقطع دانست.

از آن سوی، دوران امامت حضرت هادی(ع) همزمان با اواخر حکومت معتصم، واثق، متوکل و متعسر بود، و آن حضرت در طول زندگی خویش بویژه دو دوره طولانی حکومت ۱۴ ساله متوکل عباسی، تحت فشار حکومت عباسی قرار داشتند. اگرچه امام هادی(ع) با توجه به اوضاع سیاسی و اجتنامی جامعه قیام فراگیر را مقتضی نمی‌دانستند، لیکن خلیفه عباسی از وی می‌هراسید. از این رو، آن حضرت به سامرا فراخوانده شد،^{۳۱} و منزل ایشان تحت نظر دهها سامور و جاسوس قرار گرفت.

یکی از محورهای دوخشان و حرکتهای اصولی پیشوای دهم(ع)، تلاش در پی حفظ جان یاران از گزند خطرهای حاکمان عباسی بود. همچنین، امام(ع) بر این نکته اصرار داشتند که باران به منزل ایشان آمد و شد نکنند تا به چنگ عباسیان نیفتند.^{۳۲}

فشارها و محدودیتهای اعمال شده بر سادات بنی هاشم، عبدالعظیم حسنی را نیز در تنگنا نهاد. او که جز علوی بودن، افتخار پیروی از امامان معصوم(ع) و ارتباط نزدیک با آنان را داشت، آماج بیشترین خطرها قرار گرفت و به ترک موطن

حکومت بر روی به گریلا آمد و خون بهترین مخلوق خدا و نواده پیامبر اکرم (ص)، حضرت امام حسین (ع)، و بارانش را بر زمین ریخت، و نسبت به خاندان شریعت او جسارت وی احترامی را به اوج رساند. ۳۱

این شهر را مصلحه نیز می گفتند، ۳۲ زیرا مهدی عباسی، پندهارون، در زمان منصور هنگامی که به خراسان به جنگ عبدالجبار بن عبدالرحمن می رفت، چندی (۱۲۲-۱۲۴ هـ. ق) در آنجا اقامت گزید، و مسجد جامع، خندق و بناهای دیگر بساخت و در سال ۱۵۸ هـ. ق پایان یافت. ۳۳ نام ری به عنوان مهمترین خرابخانه در روی سکه های دوره خلفای عباسی دیده می شود، ۳۴ بویژه سکه ای که به فرمان حضرت امام رضا (ع) - در دوره ولایت عهدی - در سال ۲۰۲ هـ. ق ضرب شد. ۳۵

خانه ها - که از گل و کاشی گچ و آجر بود - ۳۶ در زیر زمین بنا می شد امتزازی در نهایت تاریکی و دشواری، که به دلیل آمد و شد فراوان لشکریان و نیروهای نظامی بنا شده بود. ۳۷
ری ۳ فرقه شیعه، حنفی و شافعی را در خود جای داده بود، و به ظاهر ساکنان شمال شهر سنی و جنوب و جنوب غربی شیعه بودند. ۳۸

ورود عبدالعظیم

حضرت عبدالعظیم پس از تحمل سختیها و مرارت های سفر مخفیانه، سرانجام وارد ری شد. ۳۹ او در کسوی سکه الموالی ۴۰ واقع در محله ساریان، ۴۱ در منزل یکی از شیعیان سکنی گزید. ۴۲

ساریان محله ای در ری بود که در وسط آن نهری جریان داشت، در ۲ سمت آن درختان پیوسته و متصل به هم نمایان بود. بازاری نیز در آن برپا بود که کوچه سکه الموالی در شرق آن قرار داشت. ۴۳

حضرت عبدالعظیم در آن خانه - که به طور معمول در زیر زمین بود - روزها و روزه داشت، شبها با به پنداری می گذراند ۴۴ و عاشق انس با خدا در خلوت شب بود، زیرا آن دوس آموخته قرآن سعادت را در این لذت معنوی می دانست.

برمزار امامزاده حمزه

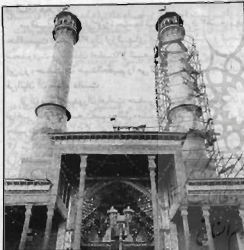
حضرت عبدالعظیم (ع) بندت از منزل بیرون می آمد، زیرا این خطر وجود داشت تا جاسوسان و مأموران حکومت عباسی - که در همه جا پراکنده بودند - به او دست یابند، و با دستگیری او ارتباطش را با شیعیان قطع کنند. از همین رو، به هنگام ضرورت مخفیانه بیرون می آمد، و به گونه ای خود را می پوشاند تا کسی او را نشناسد.
پارن نزدیک و برخی شیعیان بارها عبدالعظیم را دهبند که

از شهر خارج می شد، در درون باغ به زیارت قبری می رفت، و دوکتار آن می نشست. روزی برخی باران ماجرا را با وی در میان گذاردند، و از او پرسیدند: این مزار کیست که این گونه شما نسبت به آن تواضع می کنید، و به قرأت فاتحه می پردازید؟
- این آرامگاه مردی از فرزندان موسی بن جعفر (ع) است. ۴۵

آری آن قبر، مزار امامزاده حمزه، فرزند پیشوای هفتم (ع) بود. حمزه مکنی به ابوالقاسم، ۴۶ از علمای بزرگ و فقه های پربرخ گامی بود که در زیر سایه اسامت برادش امام رضا (ع) فراق گرفت، و با جان و دل به فرامینش جامه عمل پوشاند. او همچنین درس فر امام رضا (ع) به طوس، برادر را همراهی کرد. ۴۷ آن سید والا و او زنده سرانجام به دست مأموران مأمون عباسی در ری به شهادت رسید، ۴۸ و در همانجا به خاک سپرده شد. ۴۹ از آن پس، مزارش مطاف دوستداران خاندان اهل بیت (ع) گردید.

وکیل امام

هر روز که از اقامت عبدالعظیم، در ری می گذشت، شناخت شیعیان نسبت به او فزونی می یافت، و در اشیای دهبند



و بهره گیری از راهنمایان سپاس از یکدیگر سببت می گرفتند. دیگر نیازی نبود تا شیعیان برای یافتن پاسخ به سوالهای خویش، رنج سفر به سامرا را تحمل کنند. امام هادی (ع) به دوستداران خود در ری سفارش می کردند تا مسائل را با عبدالعظیم در میان گذارند، و به سامرا نیابند.
اباحامد رازی - یکی از شیعیان ری - می گوید: در سامرا به حضور امام هادی (ع) رسیدم، برخی مسائل حلال و حرام

شرعی را از ایشان پرسیدم. امام نیز یک به یک بداناتها پاسخ گفتند. هنگامی که خواستم با او وداع کنم، به من فرمودند: «یا ابا حماد! اذا اشکل علیک شیء من امر دینک بنا حیثک فسل عنہ عبدالعظیم بن عبدالله الحسین، و اقرأ منی السلام.» (۵۰) ای ابا حماد! هرگاه در منطقه ات برای تو مشکلی از مسائل دینی پیش آمد، از عبدالعظیم بن عبدالله حسی بیرس، (و سلام مرا به او برسان).

با عنایت به گفتار فوق، چنین به نظر می رسد که عبدالعظیم وکیل امام (ع) در ری بوده است.

روایت رؤیا

یکی از شیعیان ری، شیعی دو خواب، حضرت محمد (ص) را دید. در آن حال، این سخن را از زبان گهواره ایشان شنید که فرمودند:

فردا مردی از فرزندانم [دنیا را وداع گفته، او] را از محله شیعیان بر دوش می گیرند، و در کنار درخت سیسی دو باغ عبدالجبار بن عبدالوهاب دفن می کنند. (پس به همین محلی که عبدالعظیم را به خاک سپرده اند، اشاره کرد).

صبحگاهان، مرد سرعت به طرف باغ عبدالجبار رفت تا با خرید درخت و محل کاشت آن انتخاب آمویدن فرزندی از تبار محمد (ص) را برای خود کسب کند. لیکن عبدالجبار از فروش باغ خودداری کرد و گفت: برای چه منظوری قصد خرید درخت و محل آن را داری؟

آن مرد در پاسخ، رؤیای دیده شده را بازگو کرد. عبدالجبار با تعجب گفت: من نیز شبانگاه همین رؤیا را دیده ام!

سرانجام عبدالجبار محل درخت و مجموعه باغ خویش را وقف بزرگان و شیعیان کرد تا در این مکان به خاک سپرده شوند. ۵۱

بر بال ملائک

سرانجام آن عبد خدا در همان روزی که رسول خدا (ص) در رؤیا فرموده بود، دعوت حق را لبیک گفت. ۵۲

عبدالعظیم در دوران امامت امام هادی (ع) و قبل از شهادت آن جناب (۲۲۵هـ. ق.)، از دنیا رفت. تاریخ وفات او در هیچ سندی ذکر نشده است. از این رو، بر ادعای نویسندگان فرزندانیه که سال ۲۲۵ هـ. ق. یا حدود ۲۵۰ هـ. ق. یا یکی دو سال قبل از شهادت امام هادی (ع)، ۵۳ یا بین سالهای ۲۵۲-۲۵۵ هـ. ق. ۵۴ و یاتیمه شوال ۲۵۲ هـ. ق. ۵۵ از زمان وفات عبدالعظیم دانسته اند، دلیلی نیست.

پس از غسل دادن ۵۸، تکفین و اقامه نماز، پیکر مطهر آن عبد صالح با حضور شیعیان عزادار، در کنار باغ عبدالجبار و کنار درخت سیب به خاک سپرده شد.

در آغاز، محل دفن عبدالعظیم حسی ۵۹ به مسجد شجره ۶۰ معروف گردید، ۶۰ و سپس نخستین بقعه در زمان آل بویه ساخته



شد. ۶۱ در عصر حاکمیت سلجوقیان، مسجد الملک قمی (د. ۴۹۲هـ. ق.)، وزیر برکیارق، در احداث بنیان حرم مطهر کوشید، ظاهر آبنای اولین گنبد به دستور ابن وزیر شیمی است. ۶۲ شاه تهماسب، فرزند شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۲۴هـ. ق. رواق و ایوان آن را ساخت. ۶۳ صریح نقره از آثار فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۳هـ. ق. و طلاکاری گنبد از آثار ناصرالدین شاه می باشد. ۶۴

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توسعه و بهسازی حرم و صحن رواقها با توجه و مساعدت حضرت امام خمینی (ره) آغاز شد، و در سالهای اخیر با عنایت حضرت آیت الله خامنه ای و تلاش مسئولان آستان مقدس، به مساحت حدود ۷۴ هزار متر مربع رسید.

ثواب زیارت

در هزاره اخیر تاریخ اسلام، مزار حضرت عبدالعظیم زیارتگاه بسیاری از شیعیان بوده، و هر سال بر شمار آنان افزوده شده است. این توجه و اقبال، سرچشمه های متعددی دارد که می توان سفارش و تاکید پیشوایان دین را از عوامل مهم آن دانست.

شخصی از شیعیان ری به حضور امام هادی (ع) رسید. حضرت به او فرمودند: شما کجا بروی؟

- به زیارت امام حسین (ع) رفته بودم.
- اما آنک لو زورت قبر عبدالعظیم عندکم، لکنتم کمن زار الحسین (ع). ۶۵ (همانا اگر قبر عبدالعظیم را - که در جوار شماست - زیارت کنی، مانند کسی هستی که قبر حسین را زیارت کرده باشی).

پانوشتها:

۱. از آنجا که حضرت عبدالعظیم از هشام بن حکم (د. حدود ۱۹۹هـ. ق) روایت نقل کرده است، این احتمال وجود دارد که وی در آن زمان به سن بلوغ رسیده باشد. از همین رو، تولدش به دهه هشتم یا نهم قرن ۲هـ. ق باز می‌گردد. ر. ک: استادی، رضا، شماره ۵۱۵۰، دانشنامه‌ی با حضرت عبدالعظیم (ع)، مجله نور علم، ص ۱۳۰۶. عطاردی، همزبانه، عبدالعظیم الحسنی حیات و سنده، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳، ص ۶۳
- برخی ولادت او را ۴ ربیع الثانی ۱۷۳هـ. ق دانسته‌اند. ر. ک: کلیسی، محمدابراهیم، النکرة العظيمة، مطبعة برادران بالقزاقه، ص ۱۰۳، به نقل از نورالاناق از کتاب نزهة الأبرار
۲. غنیه، احمد، عمدة الطالب فی انساب آل أبي طالب، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۰هـ. ق، ص ۷۱
۳. بهشتی، علی بن ابی القاسم، لیل الاسباب، ج ۲، ص ۲۲۷، مکتبه آیت الله العظمی النجفی (ره)، قم، ۱۴۱۰هـ. ق
۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۲۲۷، انتشارات جامعه مدرسین، قم، نشری، نقد الرجال، انتشارات الرسول العظمی، قم، ص ۱۹۰
۵. لیس، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات هجرت، قم، ج ۱، ص ۴۶۱
۶. مجله نور علم، شماره ۵۱۵۰، ص ۳۱۶، به نقل از شرح حال حضرت عبدالعظیم (ع)، اعتراف السلطنة، ص ۳۰
۷. نس، شیخ عباس، سفینه البحار، انتشارات کتابخانه‌ی ستای، ج ۲، ص ۱۶۱
۸. فخرالزوی، الشجرة المباركة، مکتبه آیت الله العظمی النجفی (ره)، قم، ۱۴۰۹هـ. ق، ص ۶۴
۹. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۶۲
- گروهی بر این عقیده‌اند که نسل او قطع شده است. ر. ک: عمده الطالب، ص ۹۴
- دسته دیگری نظری بر خلاف آن را ارائه داده‌اند. ر. ک: ابن طباطبای، ابراهیم بن ناصر، مشکلة الطالبیة، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۸هـ. ق، ص ۱۵۷
۱۰. عطاردی، ابونصر، سلسله السلفیة، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱هـ. ق، ص ۲۵
۱۱. شیخ طوسی (ره)، عبدالعظیم واز پاران امام جواد (ع) و امام عسکری (ع) دانسته است، که در ادعای قوم وی تردید وجود ندارد. البته در بعضی از نسخ‌های این کتاب، این مطلب وجود ندارد. ر. ک: طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوس، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱هـ. ق، ص ۲۱۷ و ۲۲۲
- گروهی بر این عقیده‌اند که چون لقب عسکری اعیان‌الکرام امام هادی (ع) هم اطلاق می‌شد، این مطلب موجب تشابه شده است و روایت او از امام هادی (ع) روایت از امام عسکری (ع) پنداشد، و



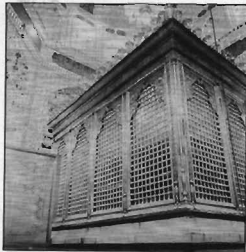
او را از اصحاب آن بزرگوار بشمارند. ر. ک: مجله نور علم، شماره ۵۱۵۰، ص ۳۰۸، ۳۰۷

حلیش از پیشوای دهم (ع) نیز وجود دارد که در آن به نوای زیارت قبر حضرت عبدالعظیم اشاره شده است. این امر می‌تواند دلیلی بر آن ذکر کردن دوران اسامی امام حسن عسکری (ع) از سوی عبدالعظیم باشد. ر. ک: ابن لؤلؤه، قامل الزیارات، ص ۳۲۲

۱۲. شیخ سفید، اختصاص، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ص ۲۲۷، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۲هـ. ق، ج ۷۲، ص ۶۳

گروهی بر این عقیده‌اند که عبدالعظیم امام رضا (ع) را در آن ذکر کرده است، و نسبت به روایت فوق غرضه می‌کند. همچنین برخی با تصرف در سند روایت، از ابی الحسن الرضا، ابی الحسن الثالث (ع) هادی (ع) را براده می‌کنند، و عیسی زاهد دانش کشف الرضا، اشبهه را به گردن راهبان یا ناسخشان کتاب می‌گذارند. ر. ک: نشری، محمد تقی، قاموس الرجال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۶، ص ۱۹۳، خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، مطبعة العلم، قم، ج ۱۰، ص ۵۳

لیکن با صلاحیته این سهم که یکی از مشایخ و استادان عبدالعظیم، هشام بن سکین (د. ۱۹۸هـ. ق) می‌باشد و این شخصیت والامقام حدود ۵ سال قبل از شهادت امام رضا (ع) به جوار حق شهادت است، دلیلی بر این مطلب و به دنبال آن غرضه به روایت فوق نیست، هر چند روایت دیگری چون مکتبه عبدالعظیم یا حضرت رضا (ع) مبارک، انسان البرطالی (ع) وجود دارد که گروه دیگری بر مدعاست، و ناقدان مشخرم از آن پادی نکرده‌اند. ر. ک: بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۱، کشاشی، محمد بن



مترکب، مساعداً المحكمة، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۰ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۷۶، طبع، محمدرضا، منبه الرافع فی ایستان ابن شاکب، قسم، ۱۳۹۵ هـ. ق، ص ۲۵، به نقل از کتابخانه، محمد بن علی بن عثمان کرابنکی

۱۱. شیخ مفید، امامی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق، صص ۲۹، ۳۲۸

۱۲. شیخ صدوق، عبرون انصار الرضا، کتابفروشی طوس، قم، ۱۳۶۳ هـ، ج ۲، صص ۱۰۱ و ۱۱۱، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۹ و ج ۱۸، ص ۳۵۱

۱۳. چنین نقل است که اسام هادی (ع)، عبدالمقیم را بر شام سادات زبانش مقدم می داشت، و به سبب آن علم، تقوا و ورع او بود. هرگاه به محضر امام (ع) می رسید، کنار منزل می ایستاد و عرض می داشت: السلام علیک یا بن رسول الله و رحمة الله و بركاته، اسام (ع) نیز او را چنین پاسخ می گفت: فو علیک السلام و رحمة الله و بركاته مرحیباک یا لیا القاسم، ای الی و. سپس او را نزد خود می طلبید، فرگنار خود می نشاند، بسیار او را احترام می گذارد، و شام توجه آن حضرت (ع) به او بود.

این موضوع بر حاضران جلسه ناگوار آمد، زیرا خود او به امام (ع) تزیینت خود می زد، عبدالمقیم نزدیکتر می نشست. روزی این مطلب را با حضرت (ع) مود میباید گفتند. و لگام اسام (ع) زرموند: پاسخ شما را امروز خواهم داد.

چون عبدالمقیم آمد، کنار در ایستاد و سلام کرد. امام پاسخ او را دادند و فرمودند: همانجا بنشین دو سخن هر روز را تکرار نکرد. عبدالمقیم نیز بدون هیچ ناراحتی در پایین مجلس نشست. سپس امام رو به کنار دست خود کردند و از او مسئله ای پرسیدند، اما او از داد پاسخ عاجز ماند. حضرت رو به عبدالمقیم کردند و جواب را از او خواستند. او می هونگ پاسخ گفت و مورد تشویق امام قرار گرفت. و حضرت جای او را تغییر دادند و او کسی بالاتر نشست... امام سئوالات خوبی را از عبدالمقیم تکرار کرد، ولیکن کسی توانایی جواب نداشت. تنها عبدالمقیم شهرمان این محفل علمی بود، و به پاسخگویی صحیح سئوالات می پرداخت و مورد تشویق امام قرار می گرفت، بدان حد که او سافران را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت و دو کتاب امام جای گرفت. همان مکانی که همه روز، در آنجا می نشست.

حضرت هادی (ع) که به باران و شویشان کرده، و فرمودند: این بزمی است که شادمانی شما اگر عبدالمقیم را رنج می گذارم، به دلیل مقام علمی اوست. ر. ک: راژی، محمدرضا، اخبار شریف، اخبار شریفان سروزان ری و تهران، مکتبه الزهراء، قم، صص ۳۶، ۳۷، به نقل از مرحوم آیت الله حاج آقا محسن جواد.

۱۶. امامی، انتشارات کتابسازان، ج ۵، تهران، ۱۳۷۰ هـ. ق، ص ۲۰۷، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۲۷ و ج ۶۹، ص ۳۸۲

۱۷. شیخ صدوق، کمال الفهرست، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۲، صص ۱۳۷، ۱۳۸، توحید، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ص ۸۱، امامی، صص ۲۳۸، صفات الشیخه، حسان، ص ۹۰، طبرسی، اعلام الوری، المکتبه العلمیه، ص ۱۴۰۹، لودیه، علی بن عیسی، کشف الغم، قسریز، ۱۳۸۱ هـ. ق، ج ۳، ص ۳۱۵، حرعالمالی، وسائل الشیخه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص ۱۱۲، صص ۱۱۲، التباات الصغیره، قم، ج ۱، ص ۵۲۲، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۸، ج ۳۶، ص ۹۱۲ و ج ۶۹، ص ۱۰، ص ۵۲۲، بحار الانوار، جمعه، نورالثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ج ۲، ص ۱۵۶۲، نووی، عبر احسن، مستوفک الوسائل، موسسه آگ السیته، قم، ج ۱۲، ص ۱۲۸، یزدی، خاتری، علمی، الزمام الشاصب، مکتبه الرضوی، قم، ۱۳۰۲ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۲۳، طبرسی، نجاشی، محمدرضا، الشیخه، ترجمه، قم، ج ۱، ص ۱۶۳، صفی، اطفال الله، مکتبه الکرم، مکتبه الداوری، قم، ص ۱۲۷

۱۸. توحید، صص ۱۷۶، ۱۷۷، شیخ صدوق، علل الشرائع، منشورات المطبعه العلمیه، نجف، ۱۳۸۵ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۷۸، صص ۲، ج ۲، صص ۹۸، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵

۱۳۲ اردبیلی، محصلین علی، جامع الرواة، مکتبه آبا الله
 البرهمنی النجفی (رد)، قم، ۱۳۱۳ هـ. ق. ج ۱، ص ۳۹۲، ج ۲،
 ص ۲۸۱ بحسار الاموال، ج ۲، ص ۱۱۶، ج ۱، ص ۹۸، ج ۱، ص ۱۰۹،
 ص ۲۹۷، ج ۱، ص ۱۷، ج ۱، ص ۲۳، ص ۱۹۰، ص ۳۵۲، ج ۱، ص ۱۳۷، ج ۲،
 ص ۲۰۵، ج ۱، ص ۲۷، ص ۸۶، ج ۱، ص ۲۲، ج ۲، ص ۱۸۲، ج ۳،
 ص ۳۳۶، ج ۱، ص ۲۳، ص ۱۱۰، ج ۲، ص ۲۵، ج ۱، ص ۲۷، ج ۱، ص ۱۵۵، ج ۲،
 ص ۱۱۰، ج ۵۲، ص ۱۳۷، ج ۶۰، ص ۲۱۲، ج ۷۱، ج ۱، ص ۷۲، ج ۱، ص ۱۳۳،
 ج ۱، ص ۱۷۸، ج ۱، ص ۱۵۲، ج ۱، ص ۹۶، ج ۱، ص ۱۳۳، ج ۱، ص ۹۹، ج ۱، ص ۳۱۷،
 ج ۱، ص ۱۰۱، ص ۱۵۰، ج ۱، ص ۱۵۰، ج ۱، ص ۱۷۷،
 ۱۹. حمانی الاخبار انوار الاعمال، ص ۲۰۳، ج ۱، ص ۱۹۶، ج ۱، ص ۱۹۶،
 ج ۲، ص ۲۱۲، ص ۲۰۹، ص ۳۳۷، ص ۲۱۰، ص ۲۲۲، ص ۲۲۶، و
 ۱۶۵۲ کمال الدین، ص ۳۰۱، ص ۳۷۷، ص ۳۷۹، ص ۳۷۹، ص ۳۷۹،
 الرضاج، ج ۱، ص ۲۵، شیخ طوس، تهذیب، ج ۹، ص ۱۸۳، ص ۱۸۳،
 مصباح المتعبد، مؤسسة فقه الشیعة، بیروت، ص ۱۴۹،
 کانی، ج ۱، ص ۱۲۷، ص ۲۰۷، ص ۲۲۰، ج ۱، ص ۲۶۱، ج ۱، ص ۱۵،
 ص ۳۷۲، اختصاص، ص ۹۶، کمال الزیارات، ص ۱۷۹، جامع
 الرواة، ج ۱، ص ۲۶۱، نقد الرجال، ص ۱۹۰،
 ۲۰. رجال النجاشی، ص ۲۲۷،
 ۲۱. مستدرک الوسائل، چاپ سنگی، ج ۳، ص ۶۱۲، به نقل از رساله فی
 فضل عبدالعظیم، صاحب بن عباد
 ۲۲. ر. ک: شیخ مفید، ارشاد، مؤسسة آل البیت، قم، ۱۳۱۳ هـ. ق،
 ج ۲، ص ۳۹، ص ۳۱۸، سالکی، ابن مصلح، الفصول المصنفة
 دارالاشراق، بیروت، ۱۳۰۹ هـ. ق، ص ۲۶۷، ص ۲۶۸،
 ۲۳. اسلام النوری، ص ۳۲۲، صدر، محمد، تاریخ الشیعة العسکری،
 دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ هـ. ق، ص ۱۳۹،
 ۲۴. عبدالعظیم حسن حیات و سنده، ص ۵۰، ص ۵۱، نشران روزگار ری
 و تهران، ص ۳۸،
 البته سند مورد اعتمادی که از سفر عبدالعظیم به سامرا یاد
 کند، یالثق شد. نویسندگان معاصر با توجه به حدیث «عرض دین
 و گفتگوی وی با امام هادی (ع)، احتمال حضور او را در سامرا ذکر
 کرده‌اند، که ممکن است این دیدار در مدینه انجام شده و عبدالعظیم
 هجرت را بدون حضور در سامرا آغاز کرده باشد.
 ۲۵. آنکه امام هادی (ع) کاتبان هجرت عبدالعظیم را داده باشد باید
 نیست، تا هم از گزند حاکمان عباسی مصون ماند و هم به عنوان
 وکیل از سوی حضرت شروع هدایت و امانت‌داری مسموم بر
 شیعیان زی باشد.
 ۲۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۲، به نقل از رساله فی فضل
 عبدالعظیم.
 ۲۷. نام ری در پارسی باستان «رگارد» در اوستا «رمانا»، در پهلوی «رگ» ،
 در یونان «رگس» ، در ارمنی «زهر» در نزد عرب «الری» تلفظ
 می شد. ر. ک: خلفا کبیری، محمد بن حسین، ارمان ناطع،

انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱، کرمان، حسین، ری باستان،
 انتشارات انجمن ملی، تهران، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۶۷،
 ۲۸. بلاذری، ابوالحسن، فتوح البلدان، دارالکتب العلمیة، بیروت،
 ۱۳۹۸ هـ. ق، ص ۳۱۹،
 ۲۹. ابن رسته، احمد بن عسر، الاعلاق النفیسه، مدینه لیدن
 المحروسة، ۱۸۹۱ م، ج ۷، ص ۱۶۸، مستوفی، حمدالله، نزهة
 القلوب، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۳۶، ص ۵۶، ص ۵۷،
 ۳۰. رازی نژوی، عبدالجلیل، النفس، تهران، ۱۳۳۱، ص ۴۰۲،
 یعقوب، البلدان، احمد بن ابی یعقوب (قسمة الاعلاق النفیسه،
 ج ۷)، ص ۲۷۶،
 ۳۱. ر. ک: یاقوت حموی، ابن عبدالله، معجم البلدان، داراحیاء التراث
 العربی، بیروت، ۱۳۹۹ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۱۸،
 ۳۲. البلدان، ص ۲۷۵، المستزید، سرزمینهای غلات شرقی، ترجمه
 محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۲۳۱،
 ۳۳. نزهة القلوب، ص ۵۷،
 ۳۴. فخر البلدان، ص ۳۱۹،
 ۳۵. ری باستان، ج ۱، ص ۵۹۵،
 ۳۶. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶،
 ۳۷. همان، ج ۳، ص ۱۷، نژوی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد
 و اشیاء العباد، ترجمه جهانبگیر میرزا حاجیار، انتشارات
 امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲،
 ۳۸. مقدسی، احسن التفساسیم فی معرفته الاقالیم، لیدن
 المحروسة، ۱۹۰۹ م، ص ۳۹۱،
 ۳۹. به اعتقاد برخی، عبدالعظیم از طبرستان به ری آمد. منتقلة
 الطالیه، ص ۱۵۷،
 ذیل گفتار فوق چنین برداشت شد است که بر این اساس سفر باید
 دو دهه پنجم قرن ۳ هـ. ق باشد، که هنوز علویان در آن حدود قدرتی
 نداشتند و عسکال طاعمری بر سرودم ستم می کردند. ر. ک:
 جعفریان، رسول، شناسایی در ری، آستان قدس حضرت
 عبدالعظیم، ۱۳۷۱، ص ۲۰،
 ۴۰. آن کویچه را سکه السوالی نامیده‌اند، برای آنکه منزل دوستداران اهل
 بیت و شیعیان در آنجا بود، و در کویچه‌های دیگر حتیها و شایعه‌ها
 انعام داشتند. ر. ک: سازندوانی کنبوری، ملاحظه بانو، حنا
 التعمیر، چاپ سنگی، ص ۳۹۸،
 سکه السوالی محل تلاقی سکه‌های ۳ قرنه عسکال شایعه و شیعه بوده
 است. این مکان حدود مغرب مسجد جامع عهدی (عباسی)، و شرق
 بازار ساریان سابق، کنبد فخرالدوله قرار داشت. ر. ک: ری
 باستان، ج ۱، ص ۲۲۹،
 ۴۱. این محل به طریق قراین، در فاصله میان کارخانه کلبی‌سین فعلی و
 شیعیان برج طغرل واقع بود، و از سوی شرق تا حدود تقی آباد فعلی
 امتداد داشت. ر. ک: ری باستان، ج ۱، ص ۱۹۸، ص ۲۲۹،



۲۲. رجال النجاشی، ص ۲۲۸، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۴، به نقل از رساله فی فضل عبدالعظیم

۲۳. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۶۱، اری باستان، ج ۱، ص ۲۲۹

۲۴ و ۲۵. رجال النجاشی، ص ۲۲۸، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۴

۲۶. عبدالله، محدثین اری جعفر، تهذیب الانساب، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی (ره)، قم، ۱۳۱۳ هـ. ق. ص ۱۲۷

۲۷. شریف الفروشی، حیات الامام موسی بن جعفر (ع)، ۱۳۸۹ هـ. ق. ج ۲، ص ۳۷

۲۸. از حمزه بن موسی، پیسر به نامه‌های حمزه و فاسم به یادگار ماند. ر. ک: کبابیلائی، سیداحمد بن محمد، سراج الانساب، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی (ره)، قم، ۱۳۰۹ هـ. ق. صص ۷۶ و ۷۷

۲۹. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹۳، مستوفی الاموال، ج ۲، ص ۱۲۱۹، حرزالدین، محمد، مرآة المعارف، انتشارات سعید بن جبیر، قم، ۱۳۷۱ هـ. ق. ج ۱، ص ۲۶۲

لازم به ذکر است که زيارتگاههایی به همین نام در شهرهای قم، اصطخر شیراز و سیرجان وجود دارد.

۵۰. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶۱۲، معجم رجال الحديث، ج ۱۰، صص ۲۸-۲۹

۵۱. رجال النجاشی، ص ۱۲۲۸، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۴

۵۲. اکثر مورخان و علمای انساب، از وقت عبدالعظیم (به شهادت او) یاد کرده‌اند، لیکن طریقی بر این عقیده است که او را زنده در شاک گذارده‌اند. ر. ک: طریقی، فخرالدین، منتخب المراثی، ص ۸۸ و گروهی معتقدند او را به شهادت رسانیده‌اند. ر. ک: الشجرة المباركة، ص ۶۴، به این نظریه نمی‌توان اعتماد کرد. ر. ک: مجله نود علم، شماره ۵۰-۵۱، ص ۳۰

۵۳. مجله تراثنا، مؤسسه آل البيت، شماره ۵، ص ۳۱

۵۴. جت النسیم، ص ۲۰۴

۵۵. اختران فرزان ری و تهران، ص ۳۸

۵۶. مرآة المعارف، ج ۲، ص ۵۲

۵۷. الشجرة المباركية، ص ۲۵۲

۵۸. نجاشی می‌نویسد: هنگامی که می‌خواستند بدن را غسل دهند، در جیب پیراهن او کافوری یافتند که در آن نسب شریفش چنین نوشته شده بود: «انا ابوالقاسم، عبدالعظیم بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب - علیه‌السلام». ر. ک: رجال النجاشی، ص ۲۲۸

۵۹. معاویری چون مسجد شجرة، مشهد شجرة، مقابر شجرة در کتابهای بسیاری دیده می‌شود. مراد از شجرة، همان درخت سیبی است که عبدالعظیم جنب آن دفن گردیده و پیش از آن نیز پیامبر اکرم (ص) در رویا غیر دفن او را در کنار آن درخت داده بود.

۶۰. عمدة الطالب، ص ۱۲۱، شوانساری، میرزا محمد باقر، ووفیات

الجنات، مکتبه اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ هـ. ق. ج ۲، ص ۲۱۰، به نقل از تالیف شهید ثانی بر خلاصه الاقران

۶۱. عبدالعظیم الحسنی حیات و مستند، ص ۳۰۷

۶۲. النقص، ص ۱۲۲، اری باستان، ج ۱، صص ۳۸۹-۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۹

۶۳. جت النسیم، ص ۲۵۹

۶۴. همان، اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، العاقر و الآثار، انتشارات کتابخانه سنتی، تهران، ص ۵۴

۶۵. ثواب الاعمال، ص ۱۲۲، اکمال الزیارات، ص ۳۲۴